



تحریف دین و باز شدن راه قرائت‌های گوناگون؛ از خطرات رویکرد علمی به دین

در استفاده از مباحث علمی در تبیین دین و آموزه‌های دینی باید توجه داشت که هر ساخت علمی زیرساخت‌هایی متفاوت با زیرساخت‌های ساخت‌های دیگر دارد و ممکن است تعمیم‌های ناروا در این حوزه‌ها منجر به تحریف دین و باز شدن راه قرائت‌های گوناگون از دین شود.

در استفاده از مباحث علمی در تبیین دین و آموزه‌های دینی باید توجه داشت که هر ساخت علمی زیرساخت‌هایی متفاوت با زیرساخت‌های ساخت‌های دیگر دارد و ممکن است تعمیم‌های ناروا در این حوزه‌ها منجر به تحریف دین و باز شدن راه قرائت‌های گوناگون از دین شود.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدمهدی گرجیان عربی، عضو هیئت علمی و معاون پژوهشی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، درباره به کارگیری شیوه‌های علمی در شناخت دین و تبیین آموزه‌های آن با اشاره به این که این رویکرد اولین بار در مغرب زمین خودنمایی کرده است، عنوان کرد: در این جریان، عده‌ای از افرادی که به نحوی دین‌مدار بودند، به دلیل این که تصور کردند دین در حال پشت سر گذاشته شدن توسط علم است، تلاش کردند که برخی از داده‌های دینی را از طریق علم اثبات کنند و نشان دهند که برای مثال بسیاری از آن چه که امروزه علم مطرح کرده است، توسط شرع اقدس از قبل فهمیده و بیان شده است.

گرجیان اهتمام دین به کاوش‌های علوم تجربی را به نحو موجه جزئی مورد پذیرش و تصدیق دانست و افزود: اهتمام به علوم تجربی جزء رسالت‌های دین نیست و آن چه از ابتدا به عنوان رسالت دین مطرح است، نه طرح مباحث علمی بلکه هدایت‌گری است.

ما در دین اصول ثابتی داریم که در عین وجود و امکان برخی تغییرات و تفسیرها، این اصول ثابتند و فروع و شاخه‌ها بر پایه این اصول ثابت استوار می‌شوند و همچنین هر چند بتوان به نحو موجه جزئی به احکامی در باب دین در دایره برای مثال جامعه‌شناسی رسید اما نباید به تعمیم این احکام و ارتقاء آن‌ها به سطح موجه کلیه اقدام کرد.

وی در تشریح دلیل عدم اهتمام دین به علوم تجربی به نحو تمام و کمال بیان کرد: امور علمی در مرتبه علوم رایج تجربی از جمله اموری هستند که مردم نسبت به یافتن آن هجوم می‌آورند و به عبارتی برای آن انگیزه دارند و آن علوم و مباحثی که اگر به خود مردم واگذار شود، به دلیل سستی و رخوتی که نسبت به آن دارند، به آن نخواهند پرداخت، مباحث متافیزیکی و امور الهی و آسمانی است. به عبارت دیگر مردم در نقطه آغاز و پیش از یادآوری دین به سمت حسیات و مادیات گرایش دارند و در اغلب موارد به امور محسوس اهمیت می‌هند تا امور معنوی و غیبی.

گرجیان با اشاره به این مطلب که افرادی که برای تبیین علمی آموزه‌های دینی تلاش می‌کنند، در مقابل گروهی قرار دارند که به تقابل علم و دین قائلند، افزود: این جریان فکری به تدریج به شمال آفریقا و کشورهای مانند مصر و الجزایر و مراکش وارد شد و سپس در کشور ما نیز افرادی به این سمت گرایش پیدا کردند و شاید برای اولین بار در سال‌های پیش از انقلاب بود که عده‌ای سعی می‌کردند که دین را بر پایه‌های علمی استوار کنند و حتی معاد جسمانی را و بسیاری از امور دیگر را به گونه‌ای تفسیر کنند که با داده‌های علمی هم‌ساز و همراه باشد.

وی بسیاری از این توجیهات علمی را تحمیل به دین دانست و گفت: برای مثال وقتی که اصل دوم ترمودینامیک مطرح شده بود، برخی گفتند که بر پایه اصل دوم ترمودینامیک، جهان در آینده سرد می‌شود و رخوت پیدا می‌کند و این همان چیزی است که در آیات #171: إِذَا السَّمَاءُ انْقَطَرَتْ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ؛ آنگاه که آسمان از هم بشکافد و آنگاه که اختران پراکنده شوند» (انفطار/ 1-2) مطرح شده است. اما بعد از مدتی داده‌های فیزیکی حاکی از این بودند که اصل دوم ترمودینامیک چه بسا که از مسلمات محسوب نشود و باز در سال‌های اخیر گفته شده است که این اصل مجدداً در حال تقویت شدن است. در این شرایط پرسش این است که چرا باید داده‌های دینی را به گونه‌ای تفسیر کنیم که به داده‌های علوم تجربی وابسته شود؛ داده‌هایی که ممکن است امروز اثبات و فردا الغا شود.

عضو گروه فلسفه و کلام دانشگاه باقرالعلوم(ع) این رویکرد را منجر به متزلزل ساختن آموزه‌های دین دانست و گفت: ما باید بدانیم که این علوم بر نسبت تجربی استوارند و ممکن است داده جدیدی فردا پیدا شود و نظریه‌ای که در يك علم تجربی حاکم است، زیرسؤال رفته و نقض شود. بنابراین علوم تجربی چارچوب مناسبی برای طرح و تبیین آموزه‌های دینی نیستند.

گاه ... مفاهیمی را از قرآن می‌گیریم و سعی می‌کنیم که آن را به عنوان يك نظریه علمی مطرح کنیم در حالی که طرح يك نظریه علمی در ساحت علوم تجربی شرایط خاص خود را دارد و مراحل تولید يك نظریه علمی یعنی آزمایش و خطا و طرح فرضیه و نظریه باید در آن لحاظ شود

گرجیان ادامه داد: گاه نیز این‌گونه است که مفاهیمی را از قرآن می‌گیریم و سعی می‌کنیم که آن را به عنوان يك نظریه علمی مطرح کنیم، در حالی که طرح يك نظریه علمی در ساحت علوم تجربی شرایط خاص خود را دارد و مراحل تولید يك نظریه علمی یعنی آزمایش و خطا و طرح فرضیه و نظریه باید در آن لحاظ شود؛ اما در مجموع به نظر می‌رسد که بیشتر چنین گرایشاتی غالباً برخاسته از مرعوب شدن در مقابل علوم تجربی یا دلبستگی به این علوم است.

وی همچنین با اشاره به تلاش‌هایی که در علوم انسانی برای تحلیل دین و داده‌های دینی انجام می‌شود، گفت: گاه من پیش از این که به سمت دین بیایم، برای مثال يك تحصیل کرده جامعه‌شناسی هستم و چیزهایی را که به مذاق من خوش می‌آید، می‌گیرم و بعد آیات و احادیثی را پیدا می‌کنم و می‌گویم که می‌توان این آیات را به گونه‌ای تفسیر کرد که با نظریه‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسی سازگاری داشته باشد؛ یا براساس نظریه‌ها و مفاهیم عمده در جامعه‌شناسی به تعریفی از دین می‌رسم که چندان با حقیقت دین همخوان نیست.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) خاطرنشان کرد: در این جا باید توجه داشت که ما در دین اصول ثابتی داریم که در عین وجود و امکان برخی تغییرات و تفسیرها، این اصول ثابتند و فروع و شاخه‌ها بر پایه این اصول ثابت استوار می‌شوند و همچنین هر چند بتوان به نحو موجه جزئی به احکامی در باب دین مثلاً در دایره جامعه‌شناسی رسید، اما نباید به تعمیم این احکام و ارتقای آن‌ها به سطح موجه کلیه اقدام کرد. همچنین باید مواظب بود که در تفاسیری که در قالب این علوم از آموزه‌های دینی ارائه می‌شود، به اصول آسیبی وارد نشود.

گرجیان با تأکید بر تقدم شناخت ماهیت، رسالت و زیرساخت‌های دین بر تبیین دین و آموزه‌های دینی گفت: اگر ما معتقد باشیم که دین می‌خواهد مردم را به آسمان وصل کند، برای این که این هدف محقق شود، از هر وسیله ممکن و مشروع می‌توان استفاده کرد و در این راه داده‌های علمی جدید نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، اما نباید مرعوب آن‌ها بود و باید توجه داشت که هر ساحت علمی زیرساخت‌هایی متفاوت با زیرساخت‌های ساحت‌های دیگر دارد و رؤس ثمانیه هر يك از علوم و بنابراین فلسفه آن‌ها متفاوت از دیگری است و ممکن است تعمیم‌های ناروا در این حوزه‌ها منجر به تحریف دین و باز شدن راه بدون حد یقف قرائت‌های گوناگون از دین شود.